

بخشی از سخنان مولانا در مورد حکمت، در دیباچه دفتر سوم مثنوی

مولانا در دیباچه مثنوی دفتر سوم مثنوی، به عربی، راجع به حکمت سخن گفته است. این مقدمه دارای اهمیت فراوانی است و لازم است که خواننده حقیقت طلب در آن به ژرفی نگاه کند. بخشی از ترجمه فارسی این مقدمه، به قلم شادروان استاد کاظم برگ نیسی از این قرار است:

«حکمت‌ها لشکریانِ خدایند. به یاریِ آنها جان‌هایِ مُریدان را نیرومند می‌گرداند، دانشِ آنان را از آلائشِ نادانی، و عدلِ آنان را از لوٹِ ستم، و بخشندگیِ آنان را از غشِ ریاکاری، و بُردباریِ آنان را از شائبهٔ نابخردی پاک می‌کند، و نکته‌هایِ مربوط به فهمِ عالمِ آخرت را که برایِ آنان دیرباب است به ذهن‌شان نزدیک می‌کند، و در هنگامِ طاعت و کوششِ کارهایی را که برایِ آنان دشوار است، آسان می‌کند. حکمت‌ها از جملهٔ حجت‌ها و دلایلِ پیامبرانند، از اسرارِ خدا و قدرتِ او که خاصِ عارفان است حکایت دارند... بادا که خدا بندگانِ خود را از آنها (= حکمت‌ها) بهره‌مند گرداند و بر فهمِ ایشان بیفزاید. راستی را که هر خواننده‌یی به فراخور خردِ خویش فهم می‌کند، و هر عابدی به فراخور توانِ کوششِ خویش عبادت می‌کند، و مجتهد به اندازهٔ قوهٔ استنباطش فتوا می‌دهد، و صدقه‌دهنده به اندازهٔ استطاعتش صدقه می‌دهد، و بخشنده به اندازه‌یی که دارد می‌بخشد و گیرندهٔ بخشش همان مقداری را دریافت می‌کند که از حدِّ کرمِ بخشنده سراغ داشته است. لیکن برایِ آن کس که در بیابانِ آب می‌جوید، دانستنِ این که در درونِ دریاچه‌ها چه‌ها (=چه مرواریدها و گوهرها) هست مانع از جست و جو نمی‌شود، و هم‌چنان در جستجویِ آبِ این حیاتِ (معنوی) به جد می‌کوشد پیش از آن که مشغلهٔ گذرانِ زندگی او را از این کار باز دارد و بیماری و تنگدستی سدِّ راهش شود و گرفتاری‌هایِ گوناگون میان او و هدفی که در تکاپوی رسیدن به آن است جدایی افکنند، زیرا کسی که آرزوهایِ واهی را ترجیح نهد، یا دل در گرو رفاه و تنعم ببندد، یا در نیمه راه دست از طلب بردارد، یا بر خویشتن بیمناک باشد، یا در غمِ امرارِ معاش خویش باشد، هرگز به این علم دست نخواهد یافت، مگر آن که به خدا پناه برد و دین خود را برایِ دنیایِ خویش ترجیح دهد و از گنجینهٔ حکمت، ثروت‌هایِ کلان برگیرد؛ ثروت‌هایی که بر خلاف ثروت‌هایِ دنیوی نه از ارزش می‌افتند و نه می‌توان آنها را به ارث گذاشت: روشنایی‌هایی پرشکوه، و گوهرهایی ارزشمند و املاکی گرانبها، و در این حال سپاسگزارِ عطایِ خدا باشد و شأن او را بزرگ بداند و از بزرگی او تجلیل کند، و از حقارت بهره‌هایِ دنیوی به خدا پناه برد و هم‌چنین از جهلی که باعث شود

اندک‌مایه‌یی را که در خود می‌بیند بسیار بداند و مایه‌های بسیار و عظیم دیگران را اندک بداند، و از بابت چیزهایی خودپسند شود که خدا اجازه آن‌ها را به او نداده است. عالم طالب (=در عرصه این علم و این راه) باید چیزهایی را که نمی‌داند بیاموزد و چیزهایی را که می‌داند بیاموزاند و با کم‌هوشان با ملایمت رفتار کند و از کودنی کودکان به خودپسندی نیفتد و با کندفهمان تندی نکند، «شما نیز پیش از این چنین بودید و خدا بر شما منت نهاد».